

نجم بختار

۱۳۲۹ • ۲ •

شیکار جو امریکا

شماره سوم، ربيع الثاني ۱۳۲۹

فہرست مندرجات

- ۱ لطف مبارک حضرت عبدالنہا اور مسئلہ تزویج و عصم
- ۲ قصہ غلام از گفتہ بنای آقا محمد تقی ناظم خراسان در بندہ جز
- ۳ انتشار امر اللہ در اروپا - تلگراف مبارک از بروجایت (نہ ہر)
- ۴ اخبار از استوت گارت [الان] بظہر آقا میرزا احمد علی
- ۵ اخبار از لندن [انگلستان] بظہر آقا میرزا لطف اللہ حکیم
- ۶ اخبار از پاریس [فرانسہ] بظہر آقا میرزا علی اکبر رفیعی
- ۷ تہنیت عید سعید مبارک رمضان از قبل فقیر باختر

Address: *Najme Bakhtar*, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

تَرْقِیَاتِ عَصْرِ

PAGE 1
VOL. IV
N: 3

سالروزانه قرآن
ماه جلال سنه ۷

صفحه اول ۱
جلد چهارم ۴
شماره سوم ۳
قیمت اشتراک و غیره
آوریل ۲۸

ایرچریده بر حسب تاریخ به آتی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت از برای حل مسائل کافکی بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون این قرن و تربیت اطفال و پیشرفت مر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عمومی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک اداری است قبول و نشر خواهد گردید

تَرْقِیَاتِ عَصْرِ

ظفر باریک حضرت عبدالقادر جیلانی مبارک
در مسئله "ترقیات عصر" روز جمعه ۱۲ ماه جولای
ساعت ۹ بعد از ظهر ۱۹۱۲ و جمعی زیاد حاضر و کل
از قوه بیانات و اله و حیران گشتند - فرمودند

عالم امکان نظیر انسان است انسان مقام نظریه
مقام شیر خواری اوقات نشو و نما وقت تمیز و رشد
و وقت بلوغ دارد همین طور عالم امکان در جاتی دارد
انسان در سن شیر خواری حساس است و در سن
مراهق یعنی بدایت لولک احساس و تمیز دارد
اما در لولکاتش ضعیف است ولی چون بسن بلوغ
می رسد جمیع قوای معنوی و قوای صوری او در درجه
درجه قوت جلیوی نماید قوه اولک بدرجه
رسد که کشف حقائق اشیا کند اما در سن طفولیت
و شیر خواری این ممکن نیست این کمالات در سن
بلوغ جلیوی نماید نه در سن طفولیت

عالم امکان نیز یک زمانی بود که شیر خواری بود بعد
مثل طفل مراهق شد روز بروز نشو و نما نمود
حالا عالم رشد رسیده است این قرن سلطان
قرون است این عصر نیز جمیع اعصار است آنچه

در قرون اولی بود. صور جمیع در این اشکال است
و از آن گذشته نفس این قرن کمالات خاصه دارد
اکتشافات عظیمه دارد. ضایع بدیع دارد. ناسبات
عجیبه دارد. علوم غریبه دارد. و از جمیع جهات در نهایت
کمال جلیوی نموده و خواهد نمود یعنی فضائل قرون سابقا
ضایع قرون سابقه فضائل قرون سابقه اکتشافات
قرون سابقه را دارد. با وجود این فضیلت خاصه
ضایع خاصه و اکتشافات خاصه این قرن را هم دارد
که در قرون سابقه ابد نبوده مثلا در قرون سابقه
فن معماری بوده و در این قرن بنهائیت بلوغ رسید
اما این قوه برقیه نبوده این تلگراف که بدقیقه با شرف
و غرب مخابره کند نبوده این تلفون نبوده اینها
از خصائص این قرن است در این قرن فضائل
قرون قدیمه و فضائل قرون جدیده موجود است
این قرن جامع قرون و ممتاز از جمیع است و سلطان
قرون و آثار جمیع اعصار است و چون ما در این
قرن هستیم بشکرانه این مواهب باید قیام بر این
کنیم که سزاوار این قرون است مثلا انسان چون به
بلوغ رسد باید احوال و الهام داشته باشد که
سزاوار سن بلوغ است همین طور این عالم امکان
چون ترقی کرده و باین حجه رسید که قرن انوار
است قرن ظهور اسرار است قرن فضائل عالم

انسانی است قرن روز خدایست قرن ملکوت امرواست
 باید با آنچه سزاوار این قرن است رفتار نمایم چه که امکان
 بد چه بلوغ رسید و اگر تا مجال نرسیده قریب به بلوغ است
 ملاحظه کنید که دایره عقول و دایره افکار چه قدر ارتقا
 یافته اکتشافات جدید چه قدر زیاد شده است
 عظیمه چه قدر ظهور یافته صنایع بدیع چه قدر
 جلوه نموده علوم نافع چه قدر انتشار یافته با وجود
 این مواهب الهیه آسازوار است که بشر در این
 مادیات مستغرق باشد در عالم طبیعت اسیر باشد
 این قرن قرنی است که قوای مغویه انسان جلوه نموده
 کالات رحمانیه انسان ظاهر گردید نورانیت عالم
 انسانی با هر شده فیوضات کائنات الهی جلوه نموده
 و چون کالات جسمانی با علاء درجه رسید همین طور
 کالات روحانی با علاء درجه برسد تا ظاهر و باطن
 انسان روشن گردد و سعادت دنیوی و سعادت
 ملکوتیه هر دو حاصل شود فضائل طبیعی و فضائل
 الهیه همه ظاهر گردد هر چند فکر انشا مرآت
 حقائق اشیا است یعنی همان کافیه هست که ان
 قوه کاشف حقائق است همین طور حقیقت اشیا
 مرآت انوار ملکوت است استعداد دارد که حقائق
 ملکوتیه در آن جلوه کند و اسرار الهیه در آن ظاهر گردد
 و صور ملامت در آن انطباع یابد
 پس اگر هر دو جهت یعنی جهت جسمانی و جهت
 روحانی هر دو ترقی نماید انوقت حقیقت اشیا
 در نهایت جمال و کمال جلوه کند
 الحمد لله خداوند در این قرن هر بابی را بر ما کشود
 هر شمی را برای ما روشن نموده باران جمش جمع
 را احاطه کرده نسیم غایتش و زید از هر جهت
 اسباب کمال از برای ما فراهم نموده جائز نیست که
 ما این مواهب الهیه را هدیه کنیم این فیوضات

رحمانیه را هدیه کنیم این انوار لاهوتیه را هدیه کنیم
 باید بجان و دل بکوشیم تا این مواهب الهیه در حقیقت
 انسانیه بکمال قوت جلوه کند تا بشر آینه ملکوت رب
 جلیل گردد و علم تا سوت آینه ملکوت شود انوقت
 سعادت دنیوی و سعادت اخروی مواهب الهیه
 روحانیت عظیمه نورانیت ملکوتیه از برای علم بشر
 حاصل گردد پس بکوشید تا شکر این الطاف
 نمائید و این نفعات روح القدس را تلقی نمائید
 و این نورانیت را حاصل کنید و این فضل و موهبت
 را شکرانر نمائید اگر چنین هستی نمائید شرق و غرب
 دست در آغوش یکدیگر نمایند بیان بعضی و عدل
 بکلی برآند محبت ملکوتی انتشار یابد الفت روحانی
 حاصل گردد وحدت عالم انسا جلوه کند صلح
 اکبر تحقق نماید جمیع بشر در نهایت مودت با
 یکدیگر آمیزش نمایند و سعادت ارض و سعادت
 ملکوت هر دو حاصل گردد امید چنان است که
 کل باین مقام فائز گردید این است و حقیقت

قصیدای غزلی

از طرف محفل روحانی بندر جن از کفتر جناب محمد تقی
 ناظم خراسانی علیه بجا، الله الا بهی در ایوم دهم عید
 نوروز در ساندن مطبوع گردید ۱۳۴۱

مغز محبوب

لوحش الله زین مبارک عید فیروزی قمران
 وین همایون جشن عالیشان میثاقی نشا
 هنم قوس و همانا هست جشن غصن رب
 در سماع و در طرب انور سجا، کر و بیان
 عالم فیروزی این روز خرم در قلاع

آمد از بهبودی این جشن اعظم تا و جان
روزگار کهنه رفت از دست عمر از سر گرفت
این جهان پس برناگشت و از نو شد جوان
جامه ذلت کشید از قامت ایامربان
طاعت عتبات گشت بهر تابان
دشت ایرکام را هر گشت چون بیابان
تا قدم بگذشت در این خطه خلاق بیابان
از غایات قدیمش شرقیان در این طمان
وز بیانات مدعیش غریبان بس شادمان
اندین جشن از شراب و صلوات گشت
و ندین عید از نای دوست کیندم بر
تا زمان هر که در میز عشق
تا زمین برجاست میالم ز جور آسمان
گاه چون بلبل بگلشن میدم جوای گل
گاه چون صیاد از دنبال آن اهور دان
هر که سپوم و سگیم از دلبر سراغ
هر در می سگیم و میجویم از آتش نشان
گاه از پاریس و لندن میرسد ز آینه خبر
گاه شمس طلعتش در باختر دارد
که به بینم در جرایزهای امیرک و فرنگ
دشمنای ذات پاکش همگی رهیب اللان
گاه بکس حضرتش صد جرات در رسم
گاه ز طق امتش نشرو عمو تا قدر دان
در فراق طلعتش ایران کل سینه چلان
تا نماید وصل خود بر اهل خاور رایگان
ساقای ریز در سایه پایی نامشمار
خم خم از میخانه عشق ملک انس و جان
غصن اعظم سرگرم حضرت عبدالبرهان
کز عطاء فضل عالم را ز نو کرد او جوان
بنگر از عتقا و حینا آملیک ذوالمن

بهر تبلیغ و هدایت شد با یکا دوان
این صحت در خورش آمد بان اعظم باک
از بریزدان سر و شانه در صد لحن و بیان
در کفایت با بیانات فصیح در لربا
صلح اکبر کوشش در بنمود بر خورد و کلا
در تفقد از غریبان و تیمیان روز و شب
تهنیت گویان و دلجویان بهر مجمع روان
از برای نشر احکام جدید ذوالجلال
در مجالس در محافل چو بدل نعم حوائج
لطف وجودش کامل و شامل با هر خاص علم
فضل و بذلش ساری و چهار بهر پیر و جوان
ای سینه بر کتاب الله یا موطأ الوری
ای وجود اقدست بر کون و امکان
یک نظر فرا ببری تاظم و لسطر
تا ز قایدت شود بر ملک دل از حکم

مجموعه باختر: جمال قدم جل ذکره الاعظم فرمودند "طوبی
لیکم حرک علی ثانی" جناب باظم میدانند!

انشاء الله تعالی

ترجمه تلگراف مبارک

از بوداپست تاریخ ۱۲ آوریل ۱۹۱۲
شیکاگو - بغدادی

سراج خدا باشد لعان مشرق حرم بوداپست
خطابه های مفصل در مجمع مهمه القاشده
عباس

مجموعه باختر: حضرت مولی العالم عبدالعزیز تقریباً بیست
سال پیش که هیچ ذکر از این امر مبارک در غرب نبود فرموده
بودند:

گاه ز طق امتش نشرو عمو تا قدر دان
تا نماید وصل خود بر اهل خاور رایگان
ساقای ریز در سایه پایی نامشمار
خم خم از میخانه عشق ملک انس و جان
غصن اعظم سرگرم حضرت عبدالبرهان
کز عطاء فضل عالم را ز نو کرد او جوان
بنگر از عتقا و حینا آملیک ذوالمن

شرق منور نما : غریب معطر نما
روح بصقلاخ : نور بافاق بخت

از استوت گارت [المان] آقا میرزا احمد سهراب نوشتند
"موزه ۱ آوریل ۱۹۱۲ : الحمد لله که امشب ساعت
هشت حضرت مولانا لودی در نهایت صحت و سلامتی وارد
استوت گارت شده و در هوش (مرگات) منزل واری
چند احتیاطان همان شب بحضور شرف شده بیانات
رشیده در تشریح و تخریب کل مجتهدان الله شده"

از لندن : آقا میرزا لطف الله حکیم نوشتند :
از وقتی که هیکل آن طلعت نورانی عبدالباقر در انگلستان شرف
داشتند شبانه روز مشغول بودند بطوری که بحسب ظاهر از قوت انشا
خارج است یا در محاسن و محافل بیانات میفرمودند با اینکه مردم
میامند که چند دقیقه تنها شرف بشوند اشخاص مختلف در این ایام
از هجر قبل شرف شدند و کتب فیض از آن طلعت نورانی نمودند برتر
است حرف از کلیفتن عرض کنم روز پانزدهم ژانویه در کابل
مبارک با تریز اکیس بر کلیفتن رفتیم که از لندن سه ساعت
است شب راه منزل ستر قودور پول (الته اسمائیشا
را میشناسید) -

نخبر باختر : بقول حضرت نعیم : میشناسیم بار از انبار صوت زانغ از
هزار میدانیم - مجلسی بود قبل از وقت ستر قودور پول
دعوت نامه فرستاده بودند قبل از مجلس خبر نگاری که از جراید معتبر
انجا آمده تنها بحضور مبارک مشرف شد پیام بسیار مبارکی برای خوانندگان
جریده خود گرفت بعد از رفتن او خبر نگار جریده دیگری آمدند
مترجمه برای اهل کلیفتن عنایت فرمودند که آن خبر نگار و رفیق
شد هیچ میل نداشت برود خیره باو عنایت فرمودند بعد
بلک دانم گلی باو عنایت فرمودند عرض کرد این گل کبریا تیرک راست
برای من این را خشک میکنم و در نزد من خیره عزیز است و برای یادگاری
نگاه میدارم بعد وقت مجلس شد ساعت هشت از شب

در حالتیکه در اطاق میرهان خانم صحبت کثیری بود در آن
بین هم جمعی از اهل شرق بودند بسیاری از عدم جایبنا
بودند جمعی را مانع شده بودند که وارد شوند از شدت
از دعاهم و از نبودن جا بعد آن شاه نوداق آن طلعت
آسمانی آن پیغمبر صلح پرور از بالا خانم اطاق مبارک خود
به اطاق میرهان خانم تشریف آوردند تا از دور وارد شدند
جمعیت بیک مرتبه بلند شده نهایت احترام را نمودند بعد اجازت
فرمودند همگی نشستند و آن جلال حشمت سلیمانی در صدر
مجلس جالس بعد صاحب خانم جناب ستر قودور پول جزیف
از تاریخ امر صحبت نمود و آن شاه جهان را معرفی نمود بعد
آن حضرت در حالتی که جالس بودند بیانات میفرمودند و بیانات
بنا که جمله جمله بواسطه آقا میرزا احمد سهراب ترجمه می شد در
بین بیانات بلند شدند و در صدر مجلس منشی میفرمودند

بارک از تعالیم حضرت جمال قدم جل ذکوه الاکرام میفرمودند
و بیانات مبارکه چنان سوز آورده که در بین صحبت چندین مرتبه
حضرت از روی سرور دست میزدند بعد که صحبت مبارک
تمام شد تشریف آوردند بیرون نشوندگان بقدر عجب
سرور شده بودند که بی نهایت میل داشتند که دست بدهند
و اظهار سرور قلب خود را بجای آورند حضور عرض شد بعد
در اطاق پانزدهم تشریف بردند جمعیت آمده بیک دست
میدادند از روی سرور اغلب را شنیدم که می گفتند ما بجز
خود چنین بیانات را هیچ نشنیده بودیم یک می گفت من مدت
همه را سعی کردم و همیشه به کلیبای رفتم و بیانات بهترین
علمای دین را شنیدم این قدر که راستش بزم خورشید گذشت
و بیانات این بزرگوار برین اثر کرد ابد چنین بیانات نشنیده
بودم در حالیکه داشت گریه می کرد از نهایت سرور این صحبت
می نمود - خبر نگاران جراند بیان مبارک را می نوشتند اینها
تماما مانند تا آخر خصصا آن یک که گلی باو عنایت فرموده بود
باری حضرات می آمدند و دست میدادند این شخص جریده نگار
همین طور ایستاده بود در جلوی مبارک و نمائش می کرد بیانات

حالتش متعجب تر بود بعد جمعی از خانم ها آمده دست دادند و اظهار محبت خود را رسانیدند در آخر حضرت اهل شرف آمده دست دادند فرمودند شماها باشد من بخوام شمارا به بیتم حضرت مانند از اهل صراط ترک نشا و غیره بودند باز گری عرب و گوی ترکی صحبت میفرمودند بجاواز از بیعت حضرت مشرف بودند الحمد لله امرالله در این صفات در نهایت ترقی و نمو است !

عجرباختر - نیز به جناب حکیم بشارت میدهد که الحمد لله امرالله در جمیع صفات در نهایت ترقی و نمو است فی الحقیقه جریده نگاران غریب چون از برای تخریج حقیقت بیابند و بدون غرض استفسار و تفتیش مینمایند لهذا راضی و مرضی هستند

که من باین حالت ضعف و نفاقت جمیع امور را گذارم و به تبلیغ قیام فرموده ام شب گذشته در منزل اسپرنتو در سرزمین من حالت نشستن نداشتم تا چه رسید بغذا خوردن و با آن حالت برخاستم و با نفوس صحبت نمودم باریک تو را میفرستم بلوزان و بعد هم باید بلندن بروی و تبلیغ نمائی و میخواهم که تمام اوقات خود را صرفا من تبلیغ کنی جمیع محافل طهران و غیره باید قیام به تبلیغ نمایند زیرا امروز تبلیغ مؤید است

عجرباختر : ضلی انگلیسی هست که میگوید "خدا کارش را درست انجام داده است ما چه طور؟"

TEACH! TEACH! TEACH!



تَبْلِغٌ تَبْلِغٌ تَبْلِغٌ

سواد مرقوم حضرت آقا میرزا علی اکبر رشتیانی :

عید رضوان

ششمین روز از ایام تلوغ قد قامت القیامة قد حقق الرجوع المرعب و من كتب یا قتلک با این ترانه که در نزول از سما یسوع

کرامت قدومه برآید از انتظار

همیکی از الواح مبارکه که بافتخار مدیر نازل شده بود میفرمایند - واسئل الله ان یتبارک هذا العید السعید علی الجميع ویؤیدهم بتأیید جدید ان ربی لعلی کل شیء قدير

ما هم به جمیع یاران الهی و اماء الرحمن من الصغیر الی الکبیر در شرق و غرب در این عید اعظم تبریک و تهنیت والله ابھی میگویند

عجرباختر

از پاریس تاریخ ۸ ربیع الاول ۱۳۳۱ - امروز صبح (حضرت عبدالبهاء) فائز احضار فرمودند و فرمودند که من حالا تو را برای تبلیغ میفرستم باید آنچه بر تو وارد آوردند ابد مخزون نباشی و مغمو نگریدی زیرا که اینها عقیداندر آنچه شنوم و استفسار نمایند ابد اجمت ندهید و باید در نهایت شجاعت و شهامت و استقامت امرالله را ابدان نمائی فوالله الذی لا اله الا هو امروز هیچ شافی و مقامی در عالم وجود مانند تبلیغ امرنیت است سلطت سلاطین ابدایاتی نخواهد ماند ولی تبلیغ اثرات و عزتت او ابدی است بعد فرمودند "من یکی از بندگان جمال مبارک هستم مانند جمیع بندگان دیگران و لکن فرقی که در میان من و دیگران هست اینست که دیگران خیالات خودشان را متابعت مینمایند و لکن من آنچه را جمال مبارک فرموده است اطاعت مینمایم ملاحظه نما